ریال‌های رمضانی

بطه نقش‌ها در ۳ مجموعه تلویزیونی
، دل‌دار و از یادها رفته»

ین حال دشوار، بازیگری است. بازیگران هرچند وقت
ت را بپوشند و به دنبال آن ویژگی رفتاری همان
طریق شخصیت‌ها برای مخاطبان قابل لمس باشد.
ش کم بگذارد، آن وقت است که یا شخصیت را خنثی
خلق یک شخصیت کاربسیار پرزحمتی است. امسال
ن در سـریال‌های ماه رمضـان نقش‌های متفاوتی را
رکدام آب و رنگ خودش را دارد و تماشای آن برای
ت. یکی از حسن‌های مجموعـه‌هایی که امسـال روی
تعدد بازیگران است. هریک از بازیگران دریک نقشی
ی از فرنگ برگشته، یکی خیاط است و دیگری نابغه
انتقام است، یکی عاشق است و دیگری سودجود.
به بهانه پخش مجموعه‌های از یادها رفته، دل‌دارو
صانی داشته‌ایم.

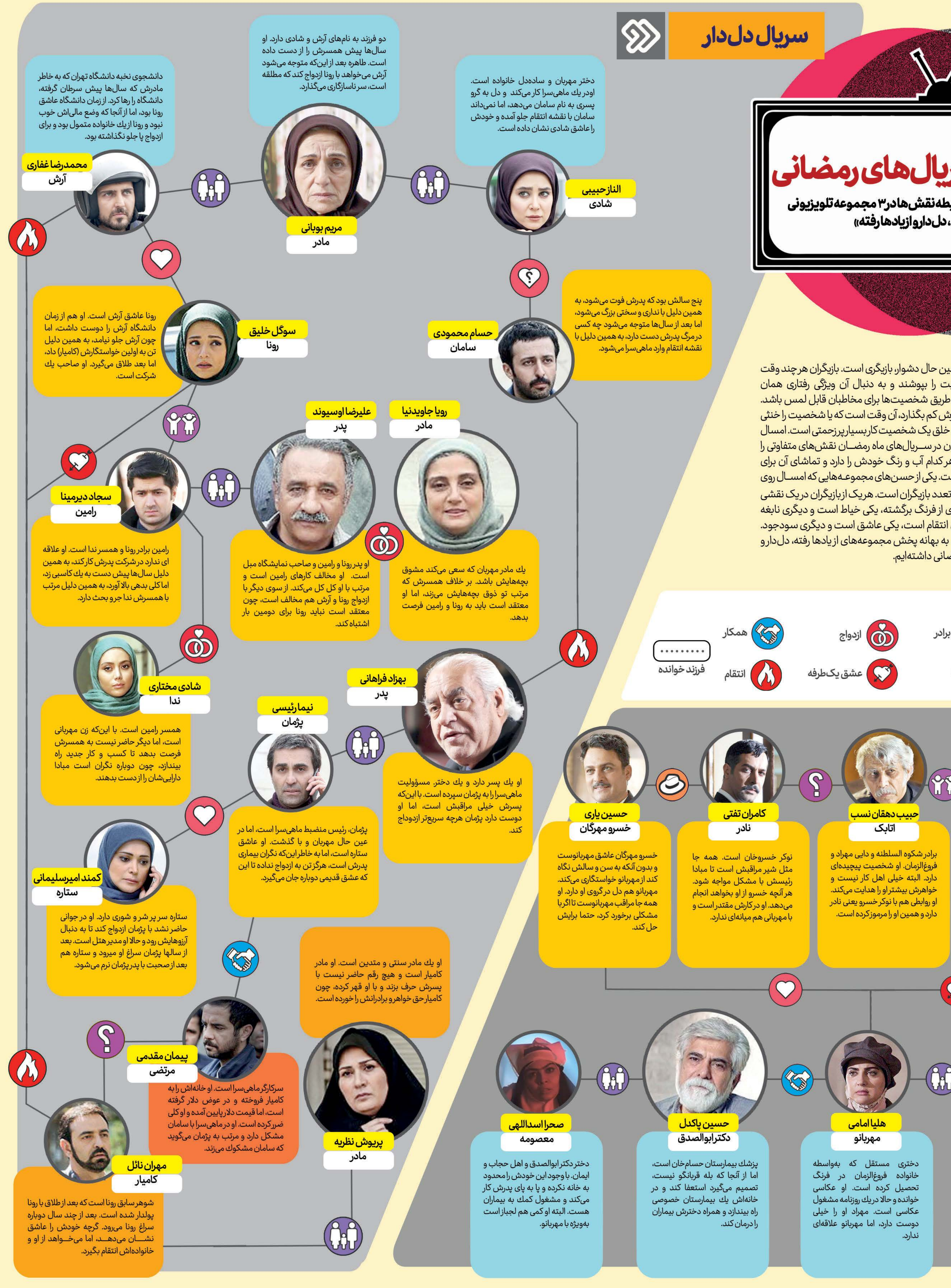

سریال دل‌دار

محمدرضا غفاری
آرش

دانشجوی نخبه دانشگاه تهران که به خاطر مادرش که سال‌ها پیش سرطان گرفته، دانشگاه را رها کرد. از زمان دانشگاه عاشق رونا بود، اما از آنجا که وضع مالی‌اش خوب نبود و رونا از یك خانواده متمول بود و برای ازدواج پا جلو نگذاشته بود.

مریم بوبانی
مادر

دو فرزند به نام‌های آرش و شادی دارد. او سال‌ها پیش همسرش را از دست داده است. ظاهره بعد از این‌که متوجه می‌شود آرش می‌خواهد با رونا ازدواج کند که مطلقه است، سر ناسازگاری می‌گذارد.

الناز حبیبی
شادی

دختر مهربان و ساده‌دل خانواده است. او در یك ماهی‌سرا کار می‌کند و دل به گرو پسری به نام سامان می‌دهد، اما نمی‌داند سامان با نقشه انتقام جلو آمده و خودش را عاشق شادی نشان داده است.

حسام محمودی
سامان

پنج سالش بود که پدرش فوت می‌شود، به همین دلیل با نداری و سختی بزرگ می‌شود، اما بعد از سال‌ها متوجه می‌شود چه کسی در مرگ پدرش دست دارد، به همین دلیل با نقشه انتقام وارد ماهی‌سرا می‌شود.

سوگل خلیق
رونا

رونا عاشق آرش است. او هم از زمان دانشگاه آرش را دوست داشت، اما چون آرش جلو نیامد، به همین دلیل تن به اولین خواستگارش (کامیار) داد، اما بعد طلاق می‌گیرد. او صاحب یك شرکت است.

علیرضا اوسیوند
پدر

او پدر رونا و رامین و صاحب نمایشگاه مبل است. او مخالف کارهای رامین است و مرتب با او کل کل می‌کند. از سوی دیگر با ازدواج رونا و آرش هم مخالف است، چون معتقد است نباید رونا برای دومین بار اشتباه کند.

رویا جاویدنیا
مادر

یك مادر مهربان که سعی می‌کند مشوق بچه‌هایش باشد. بر خلاف همسرش که مرتب تو ذوق بچه‌هایش می‌زند، اما او معتقد است باید به رونا و رامین فرصت بدهد.

سجاد دیرمینا
رامین

رامین برادر رونا و همسر ندا است. او علاقه ای ندارد در شرکت پدرش کار کند، به همین دلیل سال‌ها پیش دست به یك کاسبی زد، اما کلی بدهی بالا آورد، به همین دلیل مرتب با همسرش ندا جرو بحث دارد.

شادی مختاری
ندا

همسر رامین است. با این‌که زن مهربانی است، اما دیگر حاضر نیست به همسرش فرصت بدهد تا کسب و کار جدید راه بیندازد، چون دوباره نگران است مبادا دارایی‌شان را از دست بدهند.

بهزاد فراهانی
پدر

او یك پسر دارد و یك دختر. مسؤولیت ماهی‌سرا را به پژمان سپرده است. با این‌که پسرش خیلی مراقبش است، اما او دوست دارد پژمان هرچه سریع‌تر ازدواج کند.

نیما رئیسی
پژمان

پژمان، رئیس منضبط ماهی‌سرا است، اما در عین حال مهربان و با گذشت. او عاشق ستاره است، اما به خاطر این‌که نگران بیماری پدرش است، هرگز تن به ازدواج نداده تا این که عشق قدیمی دوباره جان می‌گیرد.

کمند امیرسلیمانی
ستاره

ستاره سر پر شر و شوری دارد. او در جوانی حاضر نشد با پژمان ازدواج کند تا به دنبال آرزوهایش رود و حالا او مدیر هتل است. بعد از سالها پژمان سراغ او میرود و ستاره هم بعد از صحبت با پدر پژمان نرم می‌شود.

پریوش نظریه
مادر

او یك مادر سنتی و متدین است. او مادر کامیار است و هیچ رقم حاضر نیست با پسرش حرف بزند و با او قهر کرده، چون کامیار حق خواهر و برادرانش را خورده است.

پیمان مقدمی
مرتضی

سرکارگر ماهی‌سرا است. او خانه‌اش را به کامیار فروخته و در عوض دلار گرفته است، اما قیمت دلار پایین آمده و او کلی ضرر کرده است. او در ماهی‌سرا با سامان مشکل دارد و مرتب به پژمان می‌گوید که سامان مشکوك می‌زند.

مهران نائل
کامیار

شوهر سابق رونا است که بعد از طلاق با رونا پولدار شده است. بعد از چند سال دوباره سراغ رونا می‌رود. گرچه خودش را عاشق نشـــان می‌دهـــد، اما می‌خـــواهد از او و خانواده‌اش انتقام بگیرد.

حبیب دهقان نسب
اتابک

برادر شکوه السلطنه و دایی مهراد و فروغ‌الزمان. او شخصیت پیچیده‌ای دارد. البته خیلی اهل کار نیست و خواهرش بیشتر او را هدایت می‌کند. او روابطی هم با نوکر خسرو یعنی نادر دارد و همین او را مرموز کرده است.

کامران تفتی
نادر

نوکر خسروخان است. همه جا مثل شیر مراقبش است تا مبادا رئیسش با مشکل مواجه شود. هر آنچه خسرو از او بخواهد انجام می‌دهد. او در کارش مقتدر است و با مهربانی هم میانه‌ای ندارد.

حسین یاری
خسرو مهرگان

خسرو مهرگان عاشق مهربانوست و بدون آنکه به سن و سالش نگاه کند از مهربانو خواستگاری می‌کند. مهربانو هم دل در گروی او دارد. او همه جا مراقب مهربانوست تا اگر با مشکلی برخورد کرد، حتما برایش حل کند.

هلیا امامی
مهربانو

دختری مستقل که به‌واسطه خانواده فروغ‌الزمان در فرنگ تحصیل کرده است. او عکاسی خوانده و حالا در یك روزنامه مشغول عکاسی است. مهراد او را خیلی دوست دارد، اما مهربانو علاقه‌ای ندارد.

حسین پاکدل
دکتر ابوالصدق

پزشك بیمارستان حسام‌خان است، اما از آنجا که بله قربانگو نیست، تصمیم می‌گیرد استعفا کند و در خانه‌اش یك بیمارستان خصوصی راه بیندازد و همراه دخترش بیماران را درمان کند.

صحرا اسداللهی
معصومه

دختر دکتر ابوالصدق و اهل حجاب و ایمان. با وجود این خودش را محدود به خانه نکرده و پا به پای پدرش کار می‌کند و مشغول کمك به بیماران هست. البته او کمی هم لجباز است به‌ویژه با مهربانو.